



A Reflection on the Scope of the Influence of Dialects, Phonic Diversity and Melody in the Development of Reciters' Reading and Text Reading*

Ahmad Khaleedi ¹

Majid Ma'arif ²

Muhammad Ali Ayazi ³

Mehdi Mehrizi ⁴

Abstract

According to historical narratives, the variety and difference in the recitation (qiraat) of the Holy Quran were correlated with the dialects, heterogeneous dialects of the tribes and the writing style of the Holy Quran, which has been subject to changes in chronological order. In later periods, such activism in the expressive and verbal realm of the revelatory text, in addition to developing the variety of readings, has created a platform for the variety of readings, in terms of comprehension, meaning, and interpretation in general. Using descriptive and analytical methods and relying on historical narratives, this research seeks to answer the question of how dialects, sound diversity in vocabulary and intonation influence the development of reading of early and late reciters and in the continuation of the reading style that the Hamzah's evolution and role-playing in the recitation of famous reciters on words is a clear example for it. In the current era, with the emergence of the meaning-oriented recitation movement and its special attention to the expression of words, combinations, vocalization, imagery and reflection in recitation, the meaning of the verses has been emphasized, which has been effective in conveying the meaning and deep understanding of the verses to the audience.

Keywords: Quran, Meaning-based Recitations (Qira'att), Reciters, Dialect, Phonetics and Melody.

*. **Date of receiving:** 02 August 2021, **Date of approval:** 07 May 2022.

1. Ph.D. Scholar, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Khaleedi.ahmad@yahoo.com

2. Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author). Maarefi@ut.ac.ir.

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Ayazi1333@gmail.com.

4. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, School of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Toosi217@gmail.com



تأملی بر گستره اثرگذاری لهجه‌ها، تنوع صوتی و تنغیم در توسعه قرائت قاریان و خوانش متن*

احمد خالدی^۱ و مجید معارف^۲ و محمدعلی ایازی^۳ و مهدی مهریزی^۴

چکیده

بر اساس روایت‌های تاریخی، گوناگونی و اختلاف قرائت قرآن کریم، هم‌بسته با لهجه‌ها، گویش‌های ناهمسان قبایل و شیوه نوشتاری قرآن کریم بوده که در توالی زمانی در معرض دگرگونی‌ها قرار داشته است. در دوره‌های پسینی، چنین کنشگری در حوزه بیانی و لفظی متن وحیانی، افزون بر توسعه تنوع قرائات، بستری را برای تنوع خوانش‌ها، از جهت فهمی، معناداری و به‌طور کلی تفسیری ایجاد نموده است. این جستار با بهره‌مندی از شیوه‌های توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر روایت‌های تاریخی در پی پاسخ به پرسش چگونگی تأثیرگذاری لهجه‌ها، تنوع صوتی در واژگان و تنغیم در گسترش قرائت قاریان پیشینی و پسینی و در ادامه شیوه خوانش متن بوده است که تحول و نقش آفرینی همزه در قرائت قاریان مشهور بر واژه‌ها، نمونه‌ای بارز برای آن به‌شمار می‌آید. در زمانه کنونی نیز، با پیدایش نهضت تلاوت معنامحور و توجه ویژه آن به شیوه بیانی الفاظ، ترکیبات، اداء صوتی، تصویرسازی و تأمل در قرائت، بر معنای آیات تأکید شده که این مسئله در انتقال معنا و فهم عمیق آیات بر مخاطب مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائات معنامحور، قاریان هفت‌گانه، لهجه، اداء صوتی، تنغیم.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (Khaledi.ahmad@yahoo.com).

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران [نویسنده مسئول]: (Maaref@ut.ac.ir).

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (Ayazi1333@gmail.com).

۴. دانشیار گروه رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (Toosi217@gmail.com).



مقدمه

از دیرباز در میان اندیشمندان علوم قرآنی، بر سر مسئله اختلاف لهجه‌ها، گویش‌ها، تأثیر موسیقی و تنغیم در معنای قرآن (در قرائت قاریان)، اختلاف نظر بوده است. محققانی مانند ابوحاتم سجستانی (۲۵۵ق)، لهجه‌های متفاوت و گویش‌های زبان عرب را در هفت وجه و در راستای حدیث سبعة احرف و منقول از پیامبر ﷺ محدود کرده‌اند؛ به گونه‌ای که احادیثی از رسول خدا ﷺ منقول شده است که افراد غیر عرب، قرآن را به لهجه و زبان غیر عربی قرائت می‌کردند. در «جامع البیان» به این مسئله اشاره شده است که بنا بر قرائت افراد مختلف بر اساس لهجه‌های خود نزد پیامبر ﷺ، وی قرائت آنان را مورد تأیید و تحسین خود قرار می‌داد (طبری، ۱۴۲۲: ۳۲/۱). به نظر می‌رسد، تحسین و تأیید پیامبر ﷺ به دلیل تشویق و یادگیری سریع مردم در امر قرائت بوده است. در این راستا برخی از دانشمندان علم لغت معتقدند که قرآن با زبان واحد نازل شده است و با زبان دیگری کتابت گردیده است؛ این در حالی است که زبان کتابت با زبان گفتاری با یکدیگر متفاوت است. عده‌ای زبان و لهجه را مترادف همدیگر می‌دانند و برخی علماء نیز، لهجه را شکلی از زبان معرفی نموده‌اند (جندی، ۱۹۷۸: ۱۱۷/۱). نویسنده مقاله تأکید دارد که بدون شک مصدر و خاستگاه اولیه لهجه‌ها، قبایلی هستند که لهجه‌ها از آن گرفته شده‌اند. در این میان علمای زبان‌شناس نیز بر این باورند که لهجه‌ها از زبان قبایلی مانند قیس، تمیم و اسد گرفته شده‌اند (حازم سلیمان، ۲۰۱۲: ۳۵). لغویان و نحویان علل اصلی لهجه‌های مختلف عربی در قرائت‌های قاریان را غفلت و سهل‌انگاری آنان در اخذ قرائت خود معرفی نموده‌اند. این در حالی است که ابن قُتیبه بر خلاف برخی محققان عقیده دارد که قرآن جز با زبان قریش به زبان دیگری نازل نشده است (زرکشی، ۱۹۵۷: ۴۷/۱). از مهم‌ترین مسائل اثرگذار در معنا و مفهوم و سیاق کلمات (در کنار لهجه‌ها و گویش‌های مختلف)، تنوع صوتی، شیوه ادای الفاظ، تنغیم و شیوه الحان قاریان است که با بررسی قرائت قاریان مشهور، می‌توان به این مهم پی برد. تنوع صوتی، تنغیم و لحن قاریان، نقشی جدی در خلق مفاهیم و واژه‌ها دارد. قرآن را به دلیل تنوع موضوع نمی‌توان به صورت یکسان از جهت صوتی و لحنی قرائت کرد؛ لذا با کاوش در آیات، تأکیدهای صوتی، خوانش‌های استفهامی با مضمون خبری و ارتباط تنغیمی با سیاق کلمات، می‌توان این تأثیرگذاری را استنباط کرد؛ مانند برخی از الفاظ که در قرآن آمده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» که در این آیه اشاره به بهترین خالق هستی دارد و نیازمند بیان صحیح و تأکید صوتی (نبر کلمات) مناسب است؛ به طوری که نقش تنغیم و لحن در تلاوت قرآن، فهم شنونده را در دریافت معنا و مفهوم تسهیل می‌کند.

لهجه‌های مختلف برخاسته از قبائلی هستند که در شبه جزیره عربستان بوده‌اند. اختلاف لهجه‌ها در قبایل گاهی آن قدر شدت می‌یافت که هر قبیله فقط معانی و واژه‌های عربی لهجه خود را درک می‌کرد و چنانچه به لهجه دیگری سخن گفته می‌شد، معانی واژه‌ها و کلمات برای آنان روشن نبود؛ بنابراین لهجه‌ها می‌توانند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در قرائت قاریان قابل بررسی باشند. در دوران حیات پیامبر ﷺ و ظهور اسلام و جذب حداکثری مردم به دین اسلام (در زمینه قرائت قرآن که بستر گرایش مردم به اسلام بود)، شخص پیامبر ﷺ در امر تلفظ و قرائت گونه به گونه واژه‌ها در قرائت قرآن سختگیری نمی‌کردند. برای شناخت بیشتر لهجه‌های موجود در قرآن، بررسی آثار مربوط به اوایل ظهور اسلام (در باب لهجه‌ها) مورد نیاز است و لازمه شناخت لهجه‌های مربوط به قرائت قرآن، شناخت لهجه‌های عربی است؛ اما به دلیل در دسترس نبودن این مدارک علمی، اکثر محققان بر اساس لهجه‌های موجود در قرآن و اظهار نظر شخصی خود، مطالب بیشتری را در این باره بیان می‌نموده‌اند؛ نویسندگان با مطالعه کتب مختلف در حوزه لهجه‌ها بر این باور هستند که مروری تاریخی در لهجه‌های مختلف کشورهای عربی حکایت از آن دارد که دلایل متعددی از جمله: وجود قبایل مختلف، تنوع زبان و لغت در دوره قبل از اسلام، وجود جوامع مختلف در سرزمین‌های عرب، غزوه‌ها و هجرت‌های صورت گرفته، نحوه بیان و استفاده واژه‌ها در گذر زمان، در ایجاد لهجه‌ها و قرائت قاریان مؤثر بوده‌اند. بدیهی است که شیوه اداء و تلفظ مردم و قاریان قرآن (تنوع صوتی) در مواجه با الفاظ قرآن نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال معنا به مخاطب دارد؛ توجه به هنر و فن تنغیم (مقامات و نغمات قرآنی) و شیوه بیان واژه‌ها در انتقال مفاهیم و اثرگذاری آن بر شنونده سهم مهمی دارد. با عنایت به مطالب ذکر شده، پرسش اصلی پژوهش پیش رو آن است که لهجه‌ها، گویش‌های مختلف، تنوع صوتی و فن تنغیم، به چه میزان در توسعه قرائات و معانی واژه‌ها مؤثر بوده‌اند؟ چالشی که سبب خلق کتاب‌هایی با عناوین مختلف در حوزه قرائات و منازعات فکری علماء بوده است، هرچند تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره لهجه‌ها صورت پذیرفته است؛ اما کمتر پژوهشی به صورت تحلیلی و توصیفی به این موضوع پرداخته است. آنچه ضرورت این پژوهش را بیان می‌کند، ابهامات موجود در پیدایش قرائت برخی قاریان مشهور (در باب لهجه‌ها) است که در پژوهش‌های قبلی، تنها به بررسی انواع لهجه‌های موجود در قرآن و شبه جزیره عربستان به صورت سطحی و گذرا محدود بوده است و بدیهی است که تحلیلی باریک‌بینانه‌تر و دقیق‌تر را می‌طلبد. با این حال، مهمترین پرسش‌های این پژوهش، آن است که اولاً، چه رابطه و پیوندی بین زبان عرب و تأثیر لهجه‌ها وجود دارد؟ ثانیاً، هنر تنغیم در قرائت معنامحور قاریان قرآن، چه تأثیری بر رویکرد شنونده در دریافت معنا و مفهوم واژه‌ها دارد؟ ثالثاً، تلفظ و تنوع صوتی قاریان، چه رویکردی بر خوانش کلمه، معنا و شیوه قرائت مرسوم دارد؟



الف. زبان عرب و اختلاف لهجه‌ها

گونه‌های مختلف خوانش واژه‌ها در هر قوم و قبیله‌ای تحت عنوان اختلاف لهجه‌ها تعریف شده است؛ با مروری تاریخی بر لهجه‌های مختلف در کشورهای عربی به خصوص شبه جزیره عربستان به نظر می‌رسد که دلایل متعددی از جمله: وجود قبایل مختلف، تنوع زبان و لغت در دوره قبل از اسلام، وجود جوامع مختلف در سرزمین‌های عرب، غزوه‌ها و هجرت‌های صورت گرفته، نحوه بیان و استفاده واژه‌ها در گذر زمان و خط عربی، در ایجاد لهجه‌ها و قرائت قاریان موثر بوده‌اند؛ چنانچه اَعْمَش (ت ۱۴۸ق) در قرائت خود واژه «أَنْبُؤْنِي» را «أَنْبُونِي» قرائت نموده است (ابن جنّی، ۱۴۲۰: ۱۸۱/۱). در این واژه و سایر واژگان در قرائت قاریان مشهور با توجه به تغییر در ساختار ظاهری لفظ، سبب تغییر در معنا، مفهوم و تفسیر آن می‌شود که می‌توان به نمونه‌هایی در این خصوص اشاره کرد.

در احادیث مختلف ملاحظه می‌شود که پیامبر ﷺ در امر قرائت قرآن به دلیل لهجه‌های مختلف و جذب بیشتر مردم به اسلام در امر قرائت قرآن سخت‌گیری نمی‌کرد؛ اما این امر بدین معنا نیست که پیامبر ﷺ اجازه ثبت اختلاف قرائات را به کاتبان کلام وحی داده باشد؛ بلکه این مسئله در پاسخ به کسانی است که تصور می‌کردند که روش آسان‌گیری پیامبر ﷺ در مسئله قرائت قرآن، خود دلیلی بر اجازه وی بر قرائات بوده است (فضلی، ۱۹۸۰: ۱۲۰). باید اشاره کرد مسئله اختلاف قرائت در زمان حیات پیامبر ﷺ بارز و مشهود نبوده است و بیشتر اختلاف‌ها تحت تأثیر لهجه‌ها، گویش‌های محلی، دانش زبانی و خوانش‌های مختلف مطرح بوده است. همچنین قابل ذکر است که بخش زیادی از اختلاف قرائت‌ها، بعد از رحلت پیامبر ﷺ و ناشی از اختلاف لهجه‌ها بوده است. در دوران متقدم به دلیل متعدد بودن لهجه‌های مختلف، قرائت قرآن بسیار سخت بود؛ در حالی که اسلام مبنای خود را در تعلیم خوانش قرآن به مسلمانان، تسهیل در قرائت می‌دانست؛ البته عامل لهجه، به تنهایی نمی‌تواند بر قرائت قاریان مؤثر باشد؛ بلکه عوامل دیگری هم در این امر دخیل‌اند؛ مانند کسی که در اثر داشتن لهجه، نتواند قرائت و اعراب را همانند یک عرب‌زبان ادا کند و زبانش قادر نیست تا اعراب اصلی را تلفظ کند (مانند فارسی‌زبان‌ها که در برخی شهرها به جای مَسْجِد، واژه مَسْجَد تلفظ می‌کنند). در این ارتباط چند تصوّر وجود دارد: اولاً، با وجود آنکه قاری، قرائت اصلی را با لهجه خود قرائت می‌کند؛ اما شنونده به گونه دیگری برداشت می‌کند که این نوع اختلاف قرائت، مدّ نظر نیست. ثانیاً، اگر فردی به دلیل آشنا نبودن با قرائت اصلی، کلماتی را اشتباه بخواند، مربوط به لهجه نمی‌شود. ثالثاً، اگر شخصی کلمات و واژه‌ها را با دو نوع اعراب قرائت کند، این نوع اختلاف قرائت، مردود است و مربوط به لهجه‌ها نیست؛ بلکه این مسئله مهم و اثرگذار، همان دیدگاه‌های شخصی عده‌ای از قاریان و نحویان

در لهجه‌ها محسوب می‌شود که اثری جدی بر معنا و تفسیر دارد؛ به گونه‌ای که اختلاف قرائات موجود (مربوط به لهجه‌ها) حتی در دوره معاصر در آثار محققانی مانند، علی جندی، محمد صالح سمک و محمد ابوالفضل ابراهیم دیده می‌شود (جندی و دیگران، ۱۹۶۰: ۸۰/۱).

نویسنده «تاریخ القرآن» درباره مؤثر بودن لهجه‌ها در پیدایش و سیر و تطور اختلاف قرائات، آشکارا سخن گفته است (شاهین، ۱۹۶۶: ۲۶۷). از دیدگاه وی گام‌های صوتی و نوع بیان واژه‌ها در لهجه، معنای جدیدی را بیان می‌کند؛ مانند: «نعبد» که با اشباع ضمه، واو تلفظ می‌شود (شاهین، ۱۳۸۲: ۱۹۹ - ۲۰۰). در این باره معرفت، صاحب کتاب «التمهید» نیز، تنوع لهجه‌ها را مربوط به همه ملل می‌داند؛ هر چند آن ملل دارای یک زبان رسمی باشند (معرفت، ۱۳۹۱: ۲۳). نویسنده در کنار علل مختلف در مسئله لهجه‌ها، با توجه به حذف و زیادت برخی از حروف در رسم الخط عربی، شبیه بودن برخی از حروف، حذف الف در وسط کلمات و عدم اعراب گذاری کلمات در خط عربی را در توسعه و گسترش لهجه‌ها و خلق معانی جدید، مهم قلمداد می‌کند.

۱. کنکاشی در اثربخشی لهجه‌های عربی در قرائت قاریان

برخی از محققان علوم قرآنی عامل و ریشه اصلی اختلاف و پیدایش قرائات را مربوط به لهجه‌ها و تعدد آنها در میان قبایل عرب می‌دانند که سبب اختلاف در قرائات بوده است (حسین، ۱۹۵۸: ۹۵)؛ البته چنین مسئله‌ای در لهجه‌های زبان غیر عرب نیز دیده می‌شود. باید اشاره کنیم که تنها لهجه‌ها در توسعه قرائات مؤثر نبوده‌اند؛ در واقع از علل اثرگذار لهجه‌ها، وجود لهجه‌های مخصوص در قبایلی بود که تنها معانی لغات و لهجه خود را درک می‌نمودند و چنانچه با لهجه دیگری مواجه می‌شدند، توان درک آن را نداشتند؛ با وجود اینکه زبان آنان (عربی) واحد بود؛ اما هر کدام کلمات را به گونه‌های مختلفی اداء می‌کردند و با یکدیگر تفاوت داشتند؛ این نوع قرائات، اختلاف قرائات محسوب نمی‌شود و مورد تأیید پیامبر ﷺ بوده است؛ از پیامبر ﷺ روایت شده است که: «إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأَ الْقُرْآنَ بِعَجْمِيَّةٍ، فَتَرَفَعُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّةٍ»؛ افرادی از امت من، قرآن را با لحن عجمی قرائت می‌کنند؛ اما فرشتگان به عربی ضبط و ثبت می‌کنند و بالا می‌برند (کلینی، ۱۳۹۱: ۶۱۹/۲). ابوشامه مقدسی (۶۵۵ق) نیز، بر این باور است که: «شایسته نیست موضوع تیسیر در قرائت قرآن برای مردم عرب (به غیر زبان قریش) مجاز و برای عده ای دیگر به لهجه خود مجاز نباشد» (ابوشامه مقدسی، ۱۳۹۵: ۹۷)؛ بنابر این بعدها همین لهجه‌های مختلف سبب اختلاف در قرائت در میان سایر مسلمانان شده است که به شکل‌های مختلفی در قرائت قاریان دیده می‌شوند. در این روایت تأکید بر خوانش متن مورد نظر بوده است؛ هر چند با لهجه‌های مختلفی بیان شده باشد.

اختلاف گام‌های صوتی عامل اختلاف در لهجه‌های مختلف یک زبان است؛ هرچند که قرآن به لهجه قریش (فصح‌ترین لهجه) بر پیامبر نازل شده است و خود پیامبر ﷺ در این باره گفته است: «انا أفصح العرب یَیْدَ اِیَّیْ مِنْ قُرَیْشٍ وَ اِیَّیْ نَشَأْتُ فِی بَنی سَعْدِ بْنِ بَکَرٍ»؛ من فصیح‌ترین عرب هستم و سِوای این که من از قریشم و در میان بنی سعد بن بکر نشأت گرفته‌ام (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۵۸). هر زمانی که آیات قرآن با فصیح‌ترین وجه ممکن بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد، وی آن آیات را بر مسلمانان قرائت می‌کردند، به آنها یاد می‌دادند و به دلیل اینکه مسلمانان قبائل دیگر، دارای گویش‌ها و لهجه‌های مختلف بودند، به صورت قطع و یقین، لهجه قریشی‌ها با آنها اختلاف داشت؛ هر چند علماء و محققان عرب، لهجه قریش را بهترین لهجه معرفی نموده‌اند (فرحه، بی‌تا، ۷۳). محققان دیگری مانند طه حسین نیز، اختلاف قرائات را نتیجه اختلاف لهجه‌ها می‌داند؛ وی معتقد است که: «اختلاف لهجه‌ها که میان قبایل عرب دیده می‌شود، اختلاف در قرائات را ایجاب می‌کند؛ به گونه‌ای که برخی از قبایل نمی‌توانند حنجره و زبان خود را تغییر دهند و قرآن کریم را بدان گونه قرائت می‌کردند که پیامبر اکرم ﷺ و اقوام قریشی او قرائت می‌کردند» (فضلی، ۱۳۶۵: ۱۲۳). در توضیح چنین مسئله‌ای نویسنده اشاره می‌کند که هر چند اختلاف لهجه‌ها در مواردی مانند اماله، ادغام و مَدّ مؤثر بوده است؛ اما شکی نیست هر امتی هر چند دارای زبان واحدی باشد، بر حسب تعدد قبایل و اقوام منشعب از آن، دارای لهجه‌های متعدد خواهد بود. درباره اختلاف قرائت نباید چنین تصور شود که ریشه تمام اختلاف قرائات ناشی از اختلاف لهجه‌ها است؛ بلکه یکی از علل اختلاف قرائات، لهجه‌هایی بوده است که می‌توان اثر و بازتاب آن را در معنای کلمات جستجو نمود. برخی معتقد به این مسئله‌اند که قرآن به لهجه‌های مختلف عرب نازل شده است و همین عامل سبب اختلاف در خوانش قرآن بوده است.

۲. نگاه و نگرش‌های فردی و قومی در لهجه‌ها

محققان فراوانی معتقدند که مصدر و خاستگاه قرائات قرآنی، لهجه‌های عربی هستند و گستردگی قبایل مختلف با توجه به نقشه جغرافیایی عربستان و اشاره به برخی از این لهجه‌ها در قرآن، نشان از فراوانی این مسئله دارد. در تقسیم‌بندی اولیه قبایل بنا بر آنچه در کتاب «اللهجات العربیة فی القراءات القرآنیة» آمده است، به دو گروه: الف) قحطان و سعد، ب) قحطان و عدنان اشاره شده است (راجحی، ۱۹۹۸: ۲۷). در قرائت با لهجه ابن مسعود می‌توان به: «ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنَّةٌ حَتَّى حِینٍ» (یوسف: ۳۵) اشاره کرد که در این آیه، واژه «حَتَّى» به صورت «عَتَّى» و مطابق با لهجه هذیل قرائت شده است (حجتی، ۱۳۶۰: ۳۰۵)؛ اما در موارد مشابه دیگر، حرف «حَتَّى»، به صورت حاء قرائت کرده است که این مسئله به دیدگاه فردی و شخصی افراد اشاره دارد.

نویسنده «المحتسب» درباره «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفته است که «بادیه‌نشینان این واژه را با ضم «دال و لام» تلفظ نموده‌اند. شماری از اصحاب ما نیز گفته‌اند: قاری ابراهیم بن ابی‌علبه، آن را با کسر «دال» و «لام» «الْحَمْدُ لِلَّهِ» قرائت نموده‌اند و مانند: «مَعَكُمْ» و «مَعَكُمْ» که برخی به فتح عین و برخی به سکون عین خوانده‌اند» (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۱۱۰/۱). با نگاهی دقیق و عالمانه به الفاظ مورد اختلاف در لهجه قاریان می‌توان اثر این مسئله بر واژگان و مفاهیم را مشاهده کرد. صبحی صالح تصریح می‌کند که: «قرآن تنها به لغت قریش نازل شده است» (صبحی صالح، ۱۹۹۰: ۱۰۹). در این مورد باید اشاره شود که قبیله، نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی انسان‌ها داشته است؛ به طوری که در آغاز رسالت پیامبر اکرم ﷺ، زبان عرب مجموعه‌ای از گویش‌ها و لهجه‌ها بود و همین اختلاف‌ها بنا به نظر بسیاری از محققان اسلامی، عامل تسهیل رسول خدا ﷺ در امر تلاوت قرآن و زمینه صدور روایت احرف سبعة بوده است (سید مرتضی، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

ابن قتیبه (۲۷۶ق) بر این مسئله عقیده دارد که: «خداوند به منظور تسهیل و توسعه بر امت اسلامی، رسول اکرم ﷺ را مأمور کرد تا به مردم اعلام کند که هر گروهی از مردم می‌توانند مطابق لهجه و زبان خود و متناسب با عادات زبانی خود قرآن را قرائت کنند؛ به طوری که هذلی «حَتَّى حِينَ» را «عَتَّى حِينَ» قرائت می‌کرد؛ تمیمی کلمات را مهموز می‌خواند و قرشی، همزه را با تسهیل اداء می‌کرد» (ابن قتیبه، بی‌تا، ۳۲)؛ لذا پدیده تنوع لهجه‌ها ناشی از قبایل مختلف با گویش‌های متفاوت است؛ هرچند مردم دارای زبان واحد بوده‌اند؛ اما سبب اختلاف در گویش و تلفظ کلمات و حروف بوده است.

۳. شکل‌های مختلف لهجه‌ها

اختلاف لهجه‌ها به شکل‌های مختلف به دلیل عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب و خالی بودن «الف» در کلمات، در قرائت قاریان تبلور یافته است. در این خصوص می‌توان به قرائت کلمه «نَعْبُدُ» که در برخی لهجه‌های عرب «نَعْبُدُ» تلفظ شده است، اشاره کرد (جوان آراسته، ۱۳۸۰: ۲۴۶). تبیین و توجه به معانی دو واژه، حکایت از اختلاف در لهجه‌ها دارد که به طور مسلم چنین امری به صورت مستقیم بر معنا و مفهوم اثرگذار است. در گوناگونی اختلاف لهجه در قرائت قاریان قرآن، کسانی نیز در قرائت خود کلمه «اِشْتَرَوْا» را در آیه «اِشْتَرُوا الضَّالَّةَ» به صورت «اِشْتَرُوا الضَّالَّه» قرائت کرده است (فضلی، ۱۹۸۰: ۱۲۰). درباره قرائت قاریان قرآن نیز، محتمل‌ترین معنا برای روایات نزول قرآن به هفت حرف، می‌توان به کتاب «نزول قرآن و روایای هفت حرف» مراجعه کرد که اختلاف لهجه‌های عربی را به شکل‌های مختلفی معرفی نموده است.

گاهی اختلاف در جایگزینی حروف رخ می‌داد؛ مانند تبدیل کاف به شین در قبیله قیس که آیه: ﴿جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتَك سَرِيًّا﴾ (مریم/۲۴) را به صورت «جعل ریش تحتش سَرِیا» قرائت می‌کردند یا «اولئك» را به صورت «اولالك» و «الناس» را به «النات» و «ایاک نعبد» را به صورت «هیاک نعبد» می‌خواندند (مؤدب، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۸۲). اختلاف در تقدیم و تأخیر در کلماتی مانند «صاعقه» و «صاقعه» یا اختلاف در تذکیر و تأنیث، مثل: «هذا البقرة» و «هذه البقرة» است که اهل سنت منشأ این اختلاف‌ها را جواز پیامبر ﷺ به حدیث «سبعة احرف» استناد می‌کنند. ابوشامه مقدسی مانند ابن قتیبه نیز، چنین نظر و دیدگاهی دارد (فضلی، ۱۳۶۵: ۱۲۳). در این باره می‌توان به نمونه‌های قرآنی که بیانگر شکل‌های مختلف لهجه‌هاست، اشاره کنیم. برخی از قاریان در آیه هفتم سورة آل عمران: عبارت «مَنْ اِنْ تَأْمَنُ بِقِنطَارٍ» را به صورت «مَنْ اِنْ تَيْمَنُ بِقِنطَارٍ» قرائت کرده‌اند؛ البته در این مورد می‌توان به شاهد مثال دیگری مانند واژه «دِفْ» در آیه پنجم سورة نحل «لَكُمْ فِيهَا دِفٌّ» با تشدید فاء و تخفیف همزه «دِفِّ» اشاره کرد (معرفت، ۱۳۹۱: ۳۲/۲).

قبیله هذیل، «واو» مکسور را با همزه قرائت می‌کردند؛ مانند: «وعاء» که به صورت «إعاء» تلفظ می‌کردند (همان: ۲۶/۲). قاریان هفت‌گانه به دلیل موقعیت مکانی خود، قرآن را به لهجه‌های مختلفی قرائت می‌کردند؛ البته در قرائت صحابه نیز، (أبی بن کعب و ابن مسعود)، لفظ «إِنَّا أَنْطَيْنَاكَ» به جای «أَعْطَيْنَاكَ» خوانده شده است که در آن روایت‌های قرائتی با ویژگی لهجه‌ای قرائت می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۰۶/۱). نویسنده، دامن‌زدن برخی از قاریان و راویان در دوره‌های مختلف به دلیل عربانی حروف و کلمات از نقطه و اعراب را، به دلیل استفاده برخی از قاریان و راویان از دانش شخصی خود (در حوزه اختلاف لهجه‌ها در اختلاف قرائات) می‌داند.

۴. تحول و نقش آفرینی همزه در خلق لهجه‌ها

حرف همزه در زبان عرب در بین مردم، قاریان قرآن و محققان علم لغت مورد مناقشه بوده است؛ این حرف در اداء کلمات، موقعیت بسیار مهمی در حوزه لهجه‌ها و قرائت قاریان دارد، صاحب کتاب «اللهجات العربية فی القراءات القرآنية» ضمن توجه به تأثیر لهجه‌ها در معنای قرآن به بررسی قرائت ابوجعفر یزید بن قعقاع (۱۳۰ ق) پرداخته است که در آن چنانچه همزه در موقعیت سکون و ماقبل همزه ساکن، ضمه باشد مانند: «يُؤْمِن - مُؤْتَفَكه»، کسره «يُس - جِتت» و فتحه «فَأَتَوْهِن - فَأَذْنُوا» همزه را با کشش تلفظ می‌کند؛ در حالی که قاریان دیگر (هفت‌گانه) کلمات را با همزه قرائت می‌کنند (راجحی، ۱۹۹۸: ۱۰۷). در مسئله جمع دو همزه در کنار هم که مفهوم استفهامی دارد، مشکلاتی در قرائت قاریان مشهور دیده می‌شود که قابل بررسی است؛ در آیه «وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا أَوْ إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ» (رعد: ۵)، ابوحیان در تفسیر خود اشاره می‌کند که: «نافع و کسائی، همزه اول را در قرائت خود استفهامی و همزه دوم را خبری قرائت نموده‌اند» (اندلسی، ۱۹۹۲: ۳۵۱/۶).

در شرایطی که همزه متحرک و قبل از آن دارای فتحه و قبل از آن کسره باشد؛ مانند: «رِئاء الناس - خاسِئاً» که ابوجعفر، همزه را با «ياء» و بقیه قاریان با همزه قرائت کرده‌اند و نافع، «لِئلاً» را بدون همزه قرائت نموده‌اند. نمونه دیگری نیز، مانند همزه با فتحه که بعد از آن فتحه باشد؛ مانند: «أرأيتم - أرأيتکم» که ابن‌کثیر، عاصم، ابوعمر، ابن‌عمر و همزه، کل قرآن را با همزه قرائت کرده‌اند. در قرائت نافع هم (در تمام قرآن)، همزه با «الف» قرائت شده است (همان: ۱۰۸-۱۰۷). نویسندۀ «النشر» آورده است که «اگر دو همزه در کنار هم قرار بگیرند و از نظر اعراب، مانند هم و یا مختلف باشند، اقسامی دارد» (ابن‌جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا، ۳۸۲/۱). سیبویه در «الکتاب» خود اشاره می‌کند که: «اگر همزه به‌صورت مفتوح بیاید و قبل از آن مفتوح باشد، در این حالت مخفی و پنهان می‌شود» (سیبویه، الکتاب، ۱۹۷۳: ۵۴۱/۳)؛ اما بنا به نظر ابن‌مجاهد در روایت بَزّی (۲۵ق)، مانند روایت قُنیل (۲۹۱ق) هرگاه همزه مفتوح باشد، همزه اول حذف می‌شود (ابن‌مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

در قرائت بَزّی هنگامی که همزه آنها کسره یا ضمه باشد، در حالت اول (کسره) همزه را تسهیل می‌کند و چنین مسئله‌ای در عُرف قرائت بَزّی دیده می‌شود که به‌صورت «هولایِ إن» قرائت شده است؛ بَزّی در این گونه قرائات، همزه اول را مانند یاء کسره‌دار قرار می‌دهد (دانی، ۱۹۸۵: ۳۷). در قرائت ابن‌عمر چنانچه همزه اول استفهام باشد، همزه دوم را تسهیل و نبر همزه به‌صورت کامل از بین می‌رود؛ در چنین شرایطی اختلاف‌های صوتی مشاهده می‌شود، مانند: «أَأَنْتَ وَأَأَنْذَرْتَهُمْ» که البته این مسئله (تسهیل همزه) در کلام عرب دیده نمی‌شود. در روایت هشام (۲۴۵ق)، در صورتی که هر دو همزه در یک کلمه باشند و همزه اول مفتوح باشد، هر دو همزه باقی می‌ماند؛ اما همزه اول دارای مد خواهد شد، مانند: «أَأَنْتَکُمْ، أَلْقَى» که ابن‌هشام به‌صورت «أَأَنْتَکُمْ وَّ أَلْقَى» قرائت نموده است (همان: ۳۲). فرایند و بازتاب حرف همزه در قرائت قاریان هفت‌گانه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و در قرائت حمزه نیز، سبب مشکلاتی در حوزه خوانش قرآن در بین مردم بوده است به طوری که حمزه در مواجهه با حرف همزه در برخی موارد مکث می‌کند و همین امر سبب تمایز وی به سایر قاریان در این مسئله شده است.

ب. فرایند تلفظ صوتی واژه‌ها در فهم معانی

ارتباط بین صوت و شیوه قرائت لغات از مسائل علم لغت است که بواسطه آن چگونگی شکل‌گیری لغات و اثر آن در معنا، نقش ممتازی دارد که در زیر به مواردی از آن اشاره شده است:



۱. نمونه‌هایی از تأکیدهای صوتی در قرآن

برخی از واژه‌های آمده در آیات قرآن با توجه به لفظ ظاهری و معنای باطنی‌شان نقش مؤثری بر تأکید، اهمیت موضوع و توجه مخاطب به این مسئله (تأکیدهای صوتی) داشته‌اند. با کاوش در آیات قرآن کریم نمونه‌هایی از تأکیدهای صوتی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در آیه ۲۶ سورة اعراف: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ حَيْرٌ»، عبارت «ذَلِكَ» واژه متعلق به جمله اول در عبارت «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ» است که نقش دوگانه این کلمات در ماقبل و مابعد آیه، فهم مخاطب را مضاعف می‌کند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم: ۷)، واژه «الْيَوْمَ» در وسط جمله آمده است که بر قبل و بعد از خود (سنجش اعمال انسان)، تأکید کرده است. «أَلَّا تَعْبُدُوا» در آیه: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳)، دلالت بر وحدانیت و خشیت در مقابل خداوند دارد. در آیات ابتدایی سورة بقره «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، واژه «فِيهِ» دو بار از حیث معنایی، برای تأکید جمله اول ذکر شده است. در این باره ابن جَنِّي (۳۹۲ق) صداهای موجود در لغات را نشانی از اهداف و بیان غرض اقوام مختلف می‌داند (ابن جَنِّي، ۲۰۰۱: ۸۷/۱).

در آیه ۴۶ سورة مریم: «قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا» در قرائت قاریان قرآن از حیث صوتی و لحنی بر واژه «یا إِبْرَاهِيمُ» وقف و برای تأکید بیشتر، از «یا إِبْرَاهِيمُ» ابتدا می‌کنند و چنین روشی در قرائت سماعی قاریان کشور مصر در دوره معاصر به دلیل تسلط بر معنا و مفهوم آیات مرسوم است. در متن آیات از جهت صوتی، آیات دیگری وجود دارند که این آیات بیشتر جنبه استفهامی دارند؛ اما معنای خبری از آنها دریافت می‌شود و این مسئله از طریق هنر تنغیم، در آیه ۶۰ سورة رحمن: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» قابل انتقال است؛ در آیه‌ها و سوره‌های دیگری مانند: انسان آیه ۱؛ انعام آیه ۴۷، رعد آیه ۱۶ و آیه ۱۲۲ سورة انعام، مصادیق مهمی در این حوزه دیده می‌شوند. در هنر تلاوت قرآن، به تکنیک استفاده از صوت و جنبه‌های آن در انتقال معانی توجه عمیقی می‌شود و هنگامی که شنونده، تلاوت قاری قرآن را می‌شنود، اولین موضوعی که ذهن او را درگیر می‌کند، صدا و صوت قاری است؛ لذا مهم‌ترین بخش ذوقی و هنری در تلاوت قرآن، صوت است که برخی معتقدند که پدیده‌ای ذاتی است و اثر مهمی بر مخاطب دارد؛ برخی نیز؛ صوت را اکتسابی می‌دانند و در این حوزه باید آموزش‌های لازم داده شود؛ اما آنچه در قرائت قرآن بازتاب مهمی دارد، نوع تأکیدهای صوتی است که توسط قاری صورت می‌گیرد و نقش مهمی در فرایند دانش تجوید دارد.

۲. رابطه صوت و اداء در قواعد تجویدی

تجوید نقش فعالی در انتقال مفهوم و معنای آیات دارد؛ ابن جزری همانند دانی (۴۴۴ق) در باب معرفی تجوید معتقد است که: «حق حرف را به صورت صحیح اداء نمودن از مخرج آن است؛ به طوری که از هر گونه سختی و تکلف به دور باشد» (ابن جزری، بی تا، ۲۱۰/۱). در قرآن طریقه ادای کلمات چنین ترسیم شده است که: «أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ «یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان» (مزمّل: ۴)؛ در تعریف ترتیل و توجه به ادای کلمات از پیامبر ﷺ نقل شده است که «توجه به ترتیل و شناخت وقف و ابتداء در قرائت قرآن، امر مهمی است» (سیوطی، ۲۰۰۳: ۱۶۶/۱).

در علم تجوید، نوع صفت موجود در کلمه مانند تفخیم، ترقیق، اماله، نبر و مد، می تواند بر شیوه ادای کلمه مؤثر باشد. در علم صوت اصطلاحی بنام (فنّ اداء الکلام) وجود دارد که در آن متناسب با کلام و گفتار طریقه اداء، کلام بیان می گردد که بر معنا و مفهوم مؤثر است. علمای تجوید مقید به ادای صحیح کلمات در قرائت قرآن هستند و موسیقی را تحدیدی برای بیان کلام می دانند (حسام الدین، ۱۹۹۲: ۲۱۱). علمای علم تجوید بر این مسئله تأکید دارند که در تجوید نباید مبالغه و زیاده روی شود. نویسنده «تحفه نجباء العصر» اشاره می کند که: «در قاعده اخفاء و در کلمه «كُنْتُ»» نباید همراه با کشش ضمه همراه باشد که در آن ضمه به «واو» و به صورت «کونتم» تبدیل شود و معنای جدیدی از آن استخراج شود» (انصاری، «تحفه نجباء العصر»، ۱۹۸۷: ۶۱). با دقت در برخی از قواعد تجویدی و مخارج حروف در قرائت قاریان، می توان به مصادیق مختلفی اشاره کرد که در برگرفته اهمیت این مسئله است؛ مانند: تلفظ حرف «ضاد» در واژگان و آیات قرآن که در برخی کشورها و از جمله عراق به صورت «ظاء» تلفظ و قرائت می شود، مانند، کلمه «ضلال» به معنی خطا که در صورت عدم توجه در تلفظ و ادای آن به صورت «ظلال»، معنای سایه ها از آن استخراج می شود و در برگرفته معنای جدید است؛ به همین سبب کتاب هایی درباره فرق بین ضاد و ظاء تألیف شده است که می توان به کتاب «الفرق بین الضاد و الظاء»، نوشته صاحب بن عباد (۳۸۵ق) اشاره کرد.

هرچند مد در حوزه زیباشناختی صوت در قرائت قاریان نقش مهمی را ایفا می کند؛ اما با دقت در معنا و مفهوم الفاظ، این نقش پر رنگ تر می شود و با این حال مد یکی از علل تأثیرگذار در علم تجوید و به ویژه معانی واژه های قرآن است. برخی از محققان مانند ظبیان در کتاب «علوم اللغة العربية فی الآیات المعجزات» (هر چند از هنر صوت در علم تجوید (مسئله مد)، به عنوان اعجاز یاد کرده است)؛ اما در این حوزه (علم تجوید)، مسئله مد را در معنای آیات، بی تأثیر می دانند» (ظبیان، ۱۹۹۷: ۱۲۰).

در باب قاعده اماله (در هنر تجوید)، برای نمونه در واژه «مجرها» (هود: ۴۱)، اکثر علماء و محققان بر این باورند که شیوه تلفظ و تمایل «الف» به «باء» منوط به لهجه‌های مختلف عربی است و در قواعد قرائت حفص از عاصم همین قاعده و روش (اشمام) و تمایل تلفظ «راء» به «الف» دیده می‌شود؛ لازم به ذکر است اماله تنها در مورد الف مدی و فتحه جاری می‌شود و اگر جایی راء اماله می‌شود، به تبع الف مدی است. نویسنده «القراءات القرآنية بين العربية والاصوات اللغوية» کشش بیشتر قاعده اماله در دانش تجوید را مربوط به تنوع لهجه‌های مختلف می‌داند که سبب اختلاف در قرائات شده است؛ در حالی که آنچه مسلم است، اماله یکی از قواعد مهم تجوید است که در قاعده (اشمام) «الف» به «باء» تمایل پیدا می‌کند (استیتیه، ۲۰۰۵: ۱۱۸).

محققان، زبان عربی را مهم تلقی کرده‌اند؛ چنانچه در «فقه اللغة و خصائص العربية»، زبان عربی از جمله زبان‌های ممتاز دنیاست که در صداهای آن توازن و انسجام دیده می‌شود (مبارک، ۱۹۷۲: ۲۵۰). ابن‌عمر (۱۱۸ق) با نظر شخصی خود در ادای کلمات و واژه‌ها (در ساختار علم تجوید) به مصادیق مختلفی دامن زده است: اولاً، ادغام حرف «ثاء» در «تاء» در قرائت ابن‌هشام، مانند: لبثثم، لبثثم و اورثموها. ثانیاً، ادغام حرف فاء در باء مانند: «وَمَنْ لَّمْ يَثْبُثْ فَأُولَئِكَ» (حجرات/۱۱). ثالثاً، در بحث حرکات، قرائت او با سایر قرائات متفاوت است؛ مانند قاعده اماله که در آن عرب به تمایل دادن کلمات به کسره تأکید دارد؛ در این خصوص حسین عطوان اشاره می‌کند: «ابن عامر الف منقلب از واو و یاء را اماله کرده است؛ عطوان چنین مسئله‌ای را از ابن‌مجاهد و ابن‌جزری نقل کرده است» (عطوان، ۱۹۸۲: ۲۸۹). در این خصوص مالقی ضمن توجه به قاعده اشمام معتقد است که «حقیقت اشمام این است که لب‌ها هنگام ادای کلماتی مانند: (وَقِيلَ)، (وَغِيصَ) و (وَجِيءَ)، در حروف (ق، غ و ج) تمایل به کسره دارند؛ اما لب‌ها به صورت ضمه جمع می‌شوند (مالقی، ۱۴۲۴: ۶۲۵)؛ هرچند نویسنده «المهذب فی القراءات العشر»، اشمام را ترکیبی از دو حرکت ضمه و کسره می‌داند (محیسن، ۱۹۷۸: ۴۸/۱). نویسندگان مقاله بر اساس نظر محققان صوت در دوره معاصر معتقدند که صوت در ادای الفاظ و قواعد تجویدی نقش مهم و اثرگذاری دارد که در صورت غفلت و عدم توجه به آن دچار آسیب‌های جدی در حوزه معنا شناسی واژگان و ترجمه الفاظ خواهیم شد؛ البته در کنار مسئله صوت، لحن و تنغیم نیز در انتقال معنا و مفهوم الفاظ نقش سازنده‌ای بر مخاطب دارد.

۳. اثرگذاری تنغیم و موسیقی در معنا و مفهوم

تنغیم روشی صوتی است در ادای جملات و عبارات و مرتبط با مقام در قرائت قاریان که به درک مضامین کمک شایانی می‌کند؛ چنانچه در لسان العرب تنغیم از نظر لغوی، همان صدای کلمات و

زیبایی صوت در قرائت و غیر آن دانسته شده است (ابن منظور، ۱۳۰۰: ۱۲۵/۱۳). محققان گذشته موسیقی و تنغیم را که بر معانی الفاظ دلالت می‌کنند، تحت عنوان «لحن» معرفی کرده‌اند؛ نوع بیان کلمات و الفاظ، ارتباط تنگاتنگی با شیوه ادای متکلم دارد؛ چنانچه قاری قرآن به زبان عرب تسلط کافی داشته باشد، می‌تواند با لحن و تنغیم خود سبب تغییر در معنا شود؛ در واقع تنغیم، صدای زنگ کلمات و زیبایی صوت در قرائت و غیر آن است. نویسندگان کتاب «علم الاصوات»، لحن را موسیقی در کلام و ایجاد روحیه خاص در مخاطب و حال گوینده معرفی نموده است (بشر، علم الاصوات، ۲۰۰۰: ۵۳۴). بر همین اساس در «مناهج البحث فی اللغة»، تنغیم و موسیقی، «ارتفاع صوت و پایین آوردن صدا، در حین ادای کلمات دانسته شده است» (حسان، ۱۹۷۴: ۱۶۴).

ابراهیم آنیس در «الأصوات العربية» درباره تعریف اصطلاحی تنغیم آورده است: «اولین کسی که اصطلاح تنغیم را در زبان عربی معاصر تحت عنوان «موسیقی کلام» استفاده کرد، انسان بوده است که کلمات و لغات را با صدای واحد و یکسانی در گفتار خود استفاده ننموده است؛ بلکه کلمات را در درجات صوتی مختلفی استفاده کرده است که ما تحت عنوان «نظام درجات و آکسان‌های صوتی و نغمات موسیقی» نامگذاری کرده‌ایم» (آنیس، ۱۹۶۱: ۱۷۶). علمای متقدم عرب در مورد چگونگی و شکل‌گیری زنگ صدای کلمات و همچنین معنا، استخراج احکام شرعی و لغوی، درک واقعی صوت و دلایل آن با هدف خدمت به قرآن کریم و حل بسیاری از مشکلات صوتی به این مسئله توجه کرده‌اند. بدون شک در در دوره معاصر، قرائت قاریان قرآن به رشد و شکوفایی موسیقی منجر شده است. ضرب‌آهنگ، تنغیم و تصویرسازی متناسب با کلمات و واژه‌ها می‌تواند شیوه انتقال و دریافت شنونده از آیات قرآن را تسهیل کند. هنر تنغیم در قرائت عنصر اصلی تشخیص جملات است. در آیه ۲۹ سوره یوسف آمده است که: «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ». در جمله اول خطاب به مرد و در جمله دوم خطاب به زن است و با استفاده از هنر تنغیم می‌توان بین این دو جمله فاصله ایجاد کرد؛ در عبارت اول واژه «یوسف» منادا است و با استفاده از ظرف موسیقی، می‌توان این مسئله را به مخاطب القا نمود. کسی که قرآن را تلاوت می‌کند، به مسائل مهم صوتی در تطبیق صوت با کلام، واژه‌ها و نوع وقف بر کلمه‌ها توجه دارد. برخی از الفاظ و ترکیب‌ها در قرآن کریم، نیازمند آداء و تلفظ صوتی خاصی است که شنونده بتواند معنای آن را دریافت کند؛ مانند عبارت «لَا أَقْسَمُ» که بر عدم قسم دلالت می‌کند؛ اما اشاره می‌کند که قسم یاد می‌کنم. در آیه «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷). در این امر اشاره شده است که پرتاب بواسطه پیامبر ﷺ صورت گرفته است؛ اما با اراده خداوند تجلی پیدا کرده است.



در آیه: ﴿يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسَفَ﴾ (یوسف: ۸۴)، با استفاده از ظرفیت موسیقایی و تنغیم می‌توان حالت ندبه را به مخاطب منتقل کرد که در فهم متن بسیار مؤثر است. بی‌شک اثر صوت در شعر عربی بسیار زیاد است. حروفی مانند: «میم و نون» که از طریق بینی اداء می‌شوند با سایر حروفی که از طریقی غیر بینی تلفظ می‌شوند، با همدیگر اختلاف دارند و چنین مواردی زمینه اختلاف‌های صوتی در کلمات را فراهم می‌نمایند. در آیات ۶ و ۷ سوره حج: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّسُ الْمُؤْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾، با استفاده از تکرار و تأکید نون و غنه در (بِأَنَّ، وَأَنَّهُ، وَأَنَّ)، با استفاده از هنر صوت، خداوند بر مسئله مرگ و برانگیختن دوباره انسان تأکید کرده است» (هنداوی، ۱۴۲۵: ۳۹).

در آیه: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفَّ﴾ (اسراء: ۲۳) که کنایه از کمترین آزار و اذیت پدر و مادر است، هدف اصلی خداوند در بیان کلمه «أُفَّ»، صرفاً بیان نهی از لفظ «أُفَّ» نیست؛ بلکه مقصود از نهی در گفتن واژه «أُفَّ»، کمترین آزار و اذیت به زبان مورد نظر است (ابن عاشور، ۲۰۰۰: ۵۷/۱۴)؛ لذا موسیقی قرآن صرفاً در برگیرنده صوت ظاهری نیست؛ بلکه آشکار ساختن معانی کلمات چه به صورت حسی و چه به صورت فکری است که نقش بسزایی در انتقال معنا دارد. ادای فصیح و متقن واژه‌ها در قرائت قاریان قرآن (نبر حرف همزه در کلمات) و توجه به تنغیم و موسیقی واژه‌ها شناخت ما را به محتوا و متن قرآن بیشتر نزدیک می‌کند.

تنغیم بر کیفیت و کمیت کلمات اثرگذار است. کمیت از این نظر که گوینده کلام، کلمات را به صورت واحد و یکسانی بیان نمی‌کند؛ بلکه به کیفیت صوت که به نوع کلمه مربوط می‌شود، توجه می‌کند. محققان و صاحب‌نظران، صوت، کلمه، جمله و مجموعه کلامی را بر ساختار نغمات مؤثر می‌دانند. ابن اثیر (۶۳۷ق) نیز، پیوند و ارتباط بین لفظ و معنا را نوعی از فصاحت و بلاغت قرآن دانسته است (ابن اثیر، بی‌تا، ۱: ۲۴۷). تأکید نویسنده بر تنوع، ترادف، توازن، تناسب و همگونی در صوت و لحن است؛ به طوری که اگر فردی متنی را به صورت یکنواخت و بدون توجه به معنا، آن را بخواند به طور قطع و یقین آن متن جز ملال و خستگی نخواهد داشت و در مقابل اگر چنین متنی با توجه به اصول و قواعد قرائت توجه شود، اثر آن بر مخاطب دو چندان خواهد شد. در تنغیم و موسیقی توجه به مقامات اصلی، فرعی و گوشه‌های آن توسط قاری، استفاده از اسلوب‌های جایز در القای معانی و مفاهیم و رعایت ملزومات لحن بر شنونده و مخاطب نقش کلیدی دارد که البته نیازمند آموزه‌های صحیح و علمی است. در کنار اثرگذاری صوت و لحن در علم تجوید، تنغیم نیز، به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در انتقال مفاهیم و تغییر ساختار الفاظ، در فرایند دانش تجوید، رویکردی جدی دارد.

۴. رویکرد و ارتباط تنغیم در دانش تجوید

تنغیم در شناخت کلمات و جمله‌ها نقش بسیار مهمی دارد؛ چنانچه در قرائات قاریان جز با شنیدن میسر نمی‌شود. ابن جزری تصریح می‌کند که تنغیم «در عالم قرائت و تلفظ آسان الفاظ، جز با شنیدن و دیدن میسر نمی‌گردد» (ابن جزری، ۱۳۵۰: ۳). اکثر محققان معتقدند که همه آیات و الفاظ مختلف در قرآن و از جمله توصیف بهشت، جهنم، کافران و ملحدان را نمی‌توان به صورت یکنواخت و مانند هم اداء نمود؛ به این دلیل که بر معانی مختلفی از جمله بشارت، تشویق و انداز اشاره دارند. نویسندۀ «الدراسات الصوتية لدى العلماء التجويد» مانند ابوالعلاء العطار در کتاب خود «التمهید فی التجويد» تأکید دارد که: «لحن خفی را نمی‌توان شناخت؛ مگر اینکه توسط قاریان ضبط و ثبت شده باشد که در آن اظهار، ادغام، روم، اشمام و خبر استفهامی با دلایل متقن، ضبط و ثبت شده باشد (غانم قدوری، ۱۹۸۶: ۵۶۷). وی بر این باور است که اداء و تلفظ صوتی صحیح بر قلب شنونده و القای معانی مؤثر است؛ نقش متقابل تنغیم (صوت و لحن) و علم تجوید در شیوۀ تلفظ ظاهری کلمات و لحن بیانی عبارات مؤثر است؛ به طوری که در تجوید، تنوین و نون ساکنه در مواجهه با حروف حلقی (أه-ع-خ)، اظهار، حروف (یرملون)، ادغام، حرف (باء)، قلب به میم و در کنار حروف مابقی اخفاء صورت می‌گیرد و البته شیوۀ تلفظ ظاهری کلمات از حیث آوایی و صوتی تغییر می‌کند. نویسندگان مقاله معتقدند هر چند ممکن است در برخی از قواعد تجویدی اتفاق خاصی از حیث معنایی صورت نگیرد؛ اما شیوۀ تلفظ و ادای کلمات در دانش تجوید، فهم و شناخت مستمع را بالا می‌برد. نویسندۀ الصوتیات العربیه یادگیری قواعد تجویدی و شیوۀ بیان عبارات (اداء) و یادگیری قاریان قرآن را به صورت عملی و سماعی از نسلی به نسل دیگر صورت گرفته است که در شناخت علم صوت شناسی کلمات مؤثر بوده است (غامدی، ۱۴۲۱: ۱۵۹). چنانچه در دانش تجوید به اقسام مد، انواع غنّه، احکام و تأکیدهای صوتی کلمات توجه شود، شنونده در اثر استماع آیات بیشتر تحت تأثیر فهم و معانی کلمات قرار می‌گیرد؛ مانند قرائت سورة حشر عبدالباسط محمد عبدالصمد که در کاظمین قرائت نموده است، مصداق واقعی ارتباط تنغیم، تجوید، تأکید و القای معانی بر قلب مخاطب است. در این میان قاری قرآن قبل از یادگیری نغمات و الحان، باید با تکیه‌ها (نبر) و ضرب آهنگ کلمات به لحاظ وزنی آشنا شود و پس از تسلط بر لحن، بین تکیه وزنی کلمات و تکیه لحنی، آنها را بر همدیگر منطبق سازد که این مسئله در شناخت حق و مستحق کلمات در دانش تجوید نقش مهمی دارد و از ایجاد فساد در معنا جلوگیری می‌کند.

تجوید نیز در کنار تنغیم و موسیقی نقش مهمی در انتقال معنا و مفهوم در قواعد مد و کشش حروف دارد. در آیه ۲۵ سورة حاقه واژه «هَآؤُم» که با حرف تنبیه (ها) و مد همراه است. صدای فرح و شادی که حکایت از عمل مؤمن و شادمانی او در به دست گرفتن کارنامه اعمال است، شنیده می شود (هنداوی، ۱۴۲۵: ۶۷). تنغیم به همراه تجوید در واقع توجه به نبر و یا همان تأکید بر کلمه است که بر حالت کلمه دلالت می کند؛ مانند نبر تعجب که بر حالت تعجب اشاره می کند و یا نبر در تحزین که بر حالت گریه و اشک دلالت می کند؛ از این رو تطبیق صوت و لحن در هر کلمه مهم است و می تواند بر مفهوم آن اثرگذار باشد. طبلاوی (۱۹۳۴م) یکی از قاریان قرآن کشور مصر در دوره معاصر معتقد است که «اساسی ترین مسئله در استفاده هر قاری از مقامات و لحن در قرائت قاریان قرآن، انتقال معنا و مفاهیم آیات بر اساس فهم قاری است» (بنتاجه، ۱۹۷۱: ۹۰)؛ می توان اشاره کرد که تصویرسازی قاری از آیات و عبارات در قرآن متناسب با فهم او سبب انتقال معنا به مخاطب می شود. یکی از مسائل مهم در قرائت قاریان دوره معاصر و به ویژه در قرائت قاریان کشور مصر، توجه به نبر و تأکید بر کلمات و الفاظ قرآن کریم است که این امر در صوت و تنغیم نقش مهمی در شناخت الفاظ قرآن دارد.

در شناخت و معرفی تنغیم می توان به مقام های بیات که بر خشوع و خضوع، مقام رست بر شادی و شَعَف، قصص انبیاء و بیان امری مهم، مقام نهانند بر مهربانی، عطوفت و خشوع، مقام سه گاه بر شادی و نشاط و تأمل در آیات، مقام حجاز بر تحزین و خشوع در تلاوت، مقام صبا بر تحزین و یادآوری بر گذشته و در نهایت مقام عَجَم که بر مفاهیمی مانند دعا و اعجاز دلالت می کنند؛ اشاره کرد. نویسندۀ «دلالات الظاهره الصوتیه فی القرآن الکریم» تأکید دارد که: «با نگاهی عمیق به آیات قرآن کریم می توان مشاهده کرد که بین لفظ و صوت، پیوند محکمی در مواردی از دانش تجوید و از جمله: مد و قصر، وقف و ابتداء، سکت و قطع، روم و اشمام، اماله و فتح، جهر و همس، تفخیم و ترقیق، نبر و تنغیم، اعلال و ابدال، اظهار و اخفاء، ادغام و قلب و قلقله وجود دارد و تنغیم و موسیقی شکل واضحی از ارتباط بین لفظ و نص صریح قرآن را نشان می دهد» (بنی دومی، ۲۰۰۶: ۸۴).

ج. بازتاب و شیوه ادای قاریان مشهور در سیاق و ساختار کلمه

پرسش اصلی در این باب آن است که قرائت الفاظ و واژه های قرآن بواسطه قرائت قاریان مشهور (بر پایه شیوه و سبک قرائت خود)، چه تغییری در اداء کلمه و شیوه قرائت مرسوم داشته است؟ در این باره اثر تلفظ قاریان قرآن مشهور (هفت گانه) بر ساختار کلمات مورد تحلیل قرار می گیرد:

۱. قرائت ابن عامر (۱۱۸ق) و ابن کثیر (۱۱۲ق)

بنا به قرائت ابن عامر (۱۱۸ق) و راویان او، هشام بن عمار (۲۴۵ق) و عبدالله بن ذکوان (۲۴۲ق)، تغییر ساختار در کلمات دیده می‌شود. وی از حوزه اختیار خود استفاده کرده است؛ مانند آنچه ابن مجاهد درباره قرائت وی در باب عبارت «هَيْتَ لَكَ» (یوسف: ۲۳) اشاره کرده است که هشام از راویان ابن عامر به سه شکل: «هَيْتَ لَكَ»، «هَيْتَ لَكَ» و «هَيْتَ لَكَ» قرائت و روایت نموده است (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۳۴۷). با تأمل در سه واژه ذکر شده، هرچند به ظاهر تغییر خاصی در معنا ایجاد نشده است؛ اما ابن مجاهد تفسیر این سه واژه را در قرائت ابن عامر شایسته نمی‌داند (استیثیه، ۲۰۰۵: ۳۱). دانی این مسئله را ناشی از اختلاف نقل از ابن عامر و راویانش می‌داند؛ اما نویسندگان و برخی از محققان چنین امری را اجتهاد و احتجاج برخی از قاریان در قرائت می‌دانند. نویسنده «إملاء ما مَن به الرحمن» وجود تغییرات در «هَيْتَ لَكَ» را بدل همزه از یاء می‌داند (عکبری، ۱۹۶۹: ۵۱/۲). موارد دیگری نیز در قرائت ابن عامر وجود دارد که کلمات و واژه‌ها را با صداهای دیگری قرائت می‌کند؛ در کلماتی مانند: نُؤَلِّهِ، نُصَلِّهِ که بنا به قاعده تجوید، اشباع صورت می‌گیرد؛ اما در قرائت ابن عامر، اختلاس در هاء صورت گرفته است؛ در قرائت هشام (۲۴۵ق)، حرکتِ هاء ساکن است و در قرائت ابن ذکوان (۲۴۲ق) نیز، چنین مسئله‌ای دیده می‌شود (همو، ۲۰۰۵: ۵۰). ابن عامر واژه «مَيْتٌ» را به صورت «مَيْتٌ» قرائت نموده است و تغییر صوتی را در این واژه ایجاد نموده است (همان: ۵۱). برخی نحوین بر این باورند که در این واژه‌ها تغییری به لحاظ معنایی ایجاد نمی‌شود؛ اما ابو عبیده معتقد به تغییر در معنا در این گونه کلمات است (زیدی، ۲۰۰۵: ۱۶۰). در قرائت برخی از قاریان هفت‌گانه و از جمله ابن عامر مشاهده می‌شود که نه تنها به نقل متکی نبوده‌اند؛ بلکه در قرائت خود به اجتهاد و احتجاج روی آورده‌اند و سبب تغییر در معنای کلمه شده‌اند. وی در قرائت لفظ «فَتَّحَ» و «فَتَّحَ» در آیات قرآن در صورتی که لفظ بعد از فعل جمع آمده باشد؛ با تشدید قرائت کرده است. در آیه ۴۴ سورة انعام «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»، ابن عامر برخلاف قرائت مشهور که به شیوة تخفیف قرائت شده است، به صورت تشدید قرائت کرده است؛ «فتحننا» با تخفیف معنای قلت (گشودیم) و با تشدید، معنی کثرت (تأکید و مبالغه) دارد که ابن عامر به صورت «فَتَّحْنَا» و با تشدید تاء قرائت کرده است (قلانسی، ۱۴۰۴: ۳۰۸)؛ بنابراین در قرائت وی و برخی از قاریان هفت‌گانه دیگر در اختلاف قرائات با تغییر لفظ، معنای آن نیز اندکی تغییر می‌کند. برخی لغویان مانند: خلیل بن احمد فراهیدی (م۱۷۵ق)، ابن درید

(م ۳۲۱ق) و زبیدی (م ۱۲۰۵ق) از جمله کسانی هستند که بین «فتح» و «فَتْح» تمایزی قائل نیستند؛ اما در «الصحاح جوهری» (۳۹۳ق) این دو واژه را به یک معنا ترجمه نموده است؛ اما «فتح» و «أَفْتَح» را به یک معنا ترجمه نموده است (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷: ماده فتح). وی «فتح» را به معنای گشودن و «فَتْح» را که دلالت بر کثرت دارد، به معنای «یاری کردن»، «داوری کردن» و «آب جاری از چشمه» معنا کرده است. طریحی (۱۰۸۷ق) نیز، با استناد و تکیه بر آیات قرآن بین «فتح» و «فَتْح» تفاوت قائل شده است (طریحی، ۱۴۰۸: ماده فتح).

در قرائت ابن کثیر، «راء» در «الخراصون» با وجود فاصله بین راء و صاد و وجود «الف» در بین این دو حرف، اثر «راء» در «صاد» به صورت کامل شنیده می شود. در قرائت وی در صورتی که دو همزه کنار هم در دو کلمه قرار گیرند و همزه اول مضموم بوده و همزه دوم مفتوح باشد، ابن کثیر همزه دوم را به واو مفتوح تبدیل می کند؛ مانند: «یا سماءً أَقْلَعی» که به صورت «یا سماءً وَقْلَعی» قرائت نموده است و در صورتی که همزه اول دارای کسره باشد، به «یاء» تبدیل می شود؛ مانند: «هولاءِ أَهْدی» که با توجه به مکسور بودن کلمه اول، کلمه دوم به «یاء» تبدیل می شود و به صورت «هولاءِ یهدی» قرائت نموده است؛ در عبارت اول همزه به «واو» و در عبارت دوم به «یاء» خالص تبدیل شده است که در برگیرنده تحول آوایی و صوتی در قرائت اوست.

۲. قرائت عاصم (۱۲۷ق) و ابوعمر بن العلاء (۱۴۵ق)

در قرائت عاصم شیوه اداء و تلفظ کلمات در ساختار ظاهری کلمات و عبارات دارای بازتاب صوتی است و عواملی مانند مد و قصر، نون ساکنه، تفخیم و ترقیق در ظواهر صوتی کلمات مؤثرند. در مسئله مد که خود به دو نوع اصلی و فرعی قابل تقسیم است، در آن مد اصلی به صورت طبیعی در حروف مدی «آ، ای، او»، به اندازه دو حرکت کشیده می شوند؛ اما در مورد مد فرعی با توجه به جایگاه کلمه در قرائت به تناسب سبب مد، دارای کشش مختلفی خواهد بود. در قاعده ادغام، نون ساکنه و تنوین در مواجه با حروف (یرملون) کلمه تلفظ و خوانشی متفاوت خواهد داشت. در قواعد دیگری مانند اخفاء در قرائت وی بر خلاف قاعده اظهار، نون مخفی و دارای غُنه خواهد شد (قمحای، ۱۹۷۲: ۹). در قواعد دیگری مانند اقلاب، تفخیم و ترقیق راء و لام لفظ جلاله الله شیوه خوانش و تلفظ کلمات در قرائت عاصم از حیث صوتی متفاوت است.

در قرائت ابوعمر (۱۴۵ق) هنگام اداء و تلفظ حرف همزه، با تخفیف همزه همراه است؛ گاهی نیز در رسیدن به همزه و ادای آن مانند قرائت حمزه کوفی بعد از قطع صدا، همزه را تلفظ می کند. استیتیه اشاره می کند که «در قرائت ابوعمر، هنگام رسیدن به همزه در واژه «یؤمنون»، همزه را

به صورت «واو» و همزه را در واژه «بِسْمَا» به صورت «بِيسَمَا» و واژه «مَأْمَنَه» را به صورت «مَامَنَه» و با «الف» قرائت می کند (استیتیه، ۲۰۰۵: ۱۰۹-۱۱۰). در قرائت وی در احکام مختلف تجویدی از جمله ادغام متمثلین، متقاربین و اماله چنین مصادیقی به وضوح دیده می شود که در برگیرنده تغییر در تلفظ و اداء صوتی در قرائت اوست.

۳. قرائت حمزه بن حبیب (۱۵۸ق) و نافع مدنی (۱۶۹ق)

در قرائت حمزه و در قواعدی مانند مد، سکت، وقف، ابدال و تغییر همزه ضمه دار در حالت وقف، مواردی از تأثیر تلفظ و قرائت وی در اداء کلمات مشاهده می شود؛ چنین امری در حالت وصل (تبدیل همزه به ضمه) صورت نمی پذیرد. در خصوص مد و کشش حروف چنانچه کلمه دارای حروف کوتاه باشد، در معنا تغییری اتفاق نمی افتاد؛ اما در حروف مدی چنانچه آخر کلمات با کشش همراه باشد، دارای مد و کشش خواهد شد. در کلمه «مُؤْمِنٌ» اگر ضمه نون کشیده شود و به صورت «مُؤْمِنُون» قرائت شود، معنای آن تغییر خواهد کرد. در دو واژه «مُؤْمِنًا»، اگر فتحه نون کشیده، به صورت «مُؤْمِنَان» و «مُؤْمِنٍ» کسره دار به صورت «مُؤْمِنِينَ» قرائت شود، دارای بازتاب صوتی در اداء کلمه است. در قرائت حمزه قبل از رسیدن به حرف همزه، صدای سَكْتُ، بدون قطع نفس در قرائت او شنیده می شود (ابن القاصح، سراج القاری المبتدی و تذکار القاری المُنْتَهی، ۱۹۵۴: ۸۰).

در قرائت وَرْش (۱۹۷ق) و قالون (۲۲۰ق)، از راویان نافع کلماتی که دارای یک همزه باشند آن را تلفظ نمی کنند؛ مانند: «وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَیْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف: ۱۶۵) به صورت «بِیس» قرائت نموده اند. در روایت وَرْش حرف همزه در ساختار کلمات دارای موقعیت های مختلفی است:

الف. اگر کلمه ای دارای دو همزه باشد؛ مانند: «أَنْذَرْتُمْ وَأَلِدُّ» که در این صورت به الف تبدیل و به صورت «أَنْذَرْتُمْ وَأَلِدُّ» قرائت می شود.

ب. اگر همزه اول مفتوح و دومی مکسور باشد؛ مانند: «إِذَا» که همزه در روایت نافع تسهیل و به صورت «أِذَا» قرائت می شود.

ج. در صورتی که همزه اول مفتوح و دومی مضموم باشد، در کلماتی مانند: «أَوَّلَقِي وَأَنْزِل»، قالون در روایت خود همزه دوم را تسهیل و یا به نوعی پنهان می شود؛ اما اثر حرکت آن باقی می ماند.

نقش همزه نیز در بررسی قرائات قاریان مختلف مهم و اثرگذار است. چنانچه حرف همزه در دو کلمه بیاید، ورش در حالتی که هر دو مفتوح باشد، همزه دوم را تسهیل می کند؛ مانند: «جَاءَ أَجْلَهُمْ» و در صورتی که هر دو مکسور باشند، اولی را محقق و دومی را تسهیل می کند؛ در روایت قالون نیز، اولی



را تسهیل و دومی را محقق و اداء می‌کند. چنانچه اعراب هر دو همزه، مضموم باشد؛ مانند: «اولیاء أولئک»؛ همزه دوم تسهیل می‌شود. در صورتی که همزه در کلمات مختلف و مانند هم نباشند، ورش و قالون همزه اول را محقق و دومی را تخفیف و به نرمی اداء می‌کنند و در صورتی که همزه اول مفتوح و دومی مکسور باشد؛ مانند: «تَفِیَّ إِلَی»، همزه دوم تسهیل می‌شود. در حالتی که همزه اول مفتوح و دومی مضموم باشد؛ مانند: «جَاءَ أُمُّهُ»، همزه دوم تسهیل می‌شود و در ساختاری دیگر نیز، همزه اول مکسور و همزه دوم مفتوح باشد؛ مانند: «مَنْ وَعَاءٌ أَخِیْهِ»، همزه دوم به «یاء» تبدیل می‌شود. اگر همزه اول مضموم و همزه دوم مفتوح باشد، همزه دوم به «واو» تبدیل می‌شود؛ مانند: «نَشَاءُ أَصْبَاهُمْ» و در نهایت چنانچه همزه اول مضموم و همزه دوم مکسور باشد، همزه دوم به «واو» تبدیل می‌شود؛ مانند: «نَشَاءُ إِلَی». در قواعد دیگری در قرآنت این قاری و راویان مربوط به آن در قواعدی مانند امالة فتح، تفخیم ترقیق لام، مد و قصر چنین اصولی منجر به تغییر در معنای کلمه نمی‌شود؛ اما کلمه از حیث خوانش و اداء تغییر می‌کند.

۱. قرآنت کسائی (۱۸۹ق)

با کنکاش و تحقیق در قرآنت کسائی انتقال صوت برخی کلمات به کلمات دیگر دیده می‌شود و اختلاف گام‌های صوتی در قرآنت این قاری سبب تغییر در ساختار واژه‌ها و کلمات می‌شود. تلفظ حرف صاد در قرآنت کسائی به صورت جهر است؛ وی در آیات «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» و «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّیُرَوْا أَعْمَالُهُمْ»، کلمات مهموس را به صورت مجهور قرآنت می‌کند و علمای قرآنت چنین مسئله‌ای را اشمام صاد معرفی نموده‌اند (دانی، ۱۹۸۵: ۹۸). از موارد دیگر قرآنت کسائی تغییر در ادای مخارج برخی حروف است؛ چنانچه در کلمات «ییسط و بسطه»، حرف سین به صورت صاد تلفظ می‌شود (استیتی، ۲۰۰۵: ۲۱۵). از جمله موارد اشتراک در قرآنت برخی قاریان هفت‌گانه با قرآنت کسائی می‌توان به حذف «هاء» در ضمیر غایب مفرد و مؤنث اشاره کرد که اگر با واو همراه باشد، حرف «هاء» ساکن می‌شود و به صورت «وَهُوَ» قرآنت می‌شود. در آیه: «وَلِّیْنِ صَبْرُتُمْ لَّهُوَ خَیْرٌ لِّلصَّابِرِیْنِ» (نحل: ۱۲۶)، نیز به صورت «لَّهُوَ» قرآنت می‌شود و در برگرنده تغییر در ساختار کلمه است (همو، ۲۳۰). در قرآنت کسائی و در قاعده امالة کبری و صغری موارد متعددی از تغییر صوت در ساختار و اداء کلمات دیده می‌شود.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر با کاوش و بازنگری در اسناد مختلف حوزه اثرگذاری لهجه ها، اداء و تأکیدهای صوتی و تنغیم بر قرائت قاریان هفت گانه، به نظر می رسد در برخی حوزه ها این تأثیر نقش بسزایی داشته است؛ بنابر این با توجه به آنچه که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و در پاسخ به پرسش های یاد شده (در بیان مسئله)، نتایج حاصله به شرح زیر است:

۱- همواره ارتباط و پیوند بین لهجه ها، تنوع صوتی، تنغیم و دلایل ظاهری در زبان عربی به عنوان یکی از علل توسعه قرائات و معنا همواره در طول تاریخ اسلام در قرائت قاریان قرآن و گفتار مردم غیر قابل انکار است.

۲- مسئله اختلاف قرائت در زمان حیات پیامبر ﷺ مشهود نبوده و بیشتر اختلاف ها در گستره لهجه ها، گویش های محلی، دانش زبانی و خوانش های مختلف در بین مردم مرسوم بوده است.

۳- اختلاف لهجه ها به گونه های متفاوت ناشی از عوامل انسانی (نگاه و نگرش های فردی و قومی) و علل طبیعی همانند فقدان نقطه، اعراب و خالی بودن «الف» در واژگان در مصاحف عثمانی و نیز رهیافت قرائت قاریان قرآن در ادای برخی حروف همانند حرف همزه قابل پی جویی است.

۴- شیوه بیانی یا تلفظ صوتی واژه ها در فهم معانی آن مؤثرند؛ به طوری که تأکیدهای صوتی و تنغیمی در قرآن کاربست قواعد تجویدی و مولفه های آن، در قرائت قاریان با ضرب آهنگ و تصویرسازی متناسب در کلمات و واژه ها، بستری مناسب برای انتقال مفاهیم آیات به مخاطب را تسهیل می کند.

۵- توجه به اثربخشی تلفظ و اداء در آیات قرآن و قرائت قاریان معنامحور زمینه شناخت نص قرآن را فراهم می سازد و این همان سرّ اعجاب بر انگیز قرآن به سایر کتب است.

فهرست منابع

۱. انصاری، زکریا بن محمد، تحفة نجباء العصر، به کوشش محیی هلال السرحان، بغداد: بی‌جا، ۱۹۸۷م.
۲. أنیس، ابراهیم، الأصوات العربية، مصر: دارالنهضة العربية، ۱۹۶۱م.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، به کوشش: احمد الحوفی و بدوی طبانة، مصر: دارالنهضة، بی‌تا.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النّهائة فی غریب الحدیث و الأثر، به کوشش: محمود محمد طنّاحی و طاهر احمد زاوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۵. ابن جزری، النسر فی القرائات العشر، به کوشش: علی محمد الضّباع، بیروت: دارالکتب، بی‌تا.
۶. همو، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، به کوشش: محمد حبیب الله الشقیطی و احمد محمد شار، قاهره: مکتبه القدس بالأزهر، ۱۳۵۰ق.
۷. ابن جنّی، عثمان، الخصائص، به کوشش: عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱م.
۸. همو، المحتسب، به کوشش: علی نجدی و عبدالفتاح شلبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۹. ابن الفاصح، علی، سراج القاری المبتدی و تذکار القاری المُنْتَهی، قاهره: مکتبه البابي الحلبي، ۱۹۵۴م.
۱۰. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، به کوشش: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۱۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۲۰۰۰م.
۱۲. ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، به کوشش: شوقی ضیف، قاهره: دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۰۰ق.
۱۴. ابوشامة مقدسی، عبدالرحمان بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالکتاب العزیز، به کوشش: طیار آلتی قولاج، بیروت: دارصاد، ۱۳۹۵ق.
۱۵. استیتیّه، سمیر شریف، القرائات القرآنیة بین العربیة و الاصوات اللغویة، اربد: عالم الکتب الحدیث، ۲۰۰۵م.



١٦. اندلسي، محمد بن يوسف، تفسير البحر المحيط، بيروت: دارالفكر، ١٩٩٢م.
١٧. بشر، كمال، علم الاصوات، قاهره: دارغريب، ٢٠٠٠م.
١٨. بنتاجه، محمد، اصول فن تلاوة القرآن الكريم، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٩٧١م.
١٩. بنى دومى، خالد، دلالات الظاهرة الصوتية فى القرآن الكريم، إربد: عالم الكتب الحديث، ٢٠٠٦م.
٢٠. حازم سليمان، نهى، اثر اللهجات العربية فى الدراسات النحوية و القرائات القرآنية، بغداد: دارالوثاق، ٢٠١٠م.
٢١. حجتى، محمداقبر، پژوهشى در تاريخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٠ش.
٢٢. حسان، تمام حسن، مناهج البحث فى اللغة، قاهره: دارالثقافة، ١٩٧٤م.
٢٣. حسام الدين، كريم زكى، الدلالة الصوتية، مصر: مكتبة الأنجلو المصرية، ١٩٩٢م.
٢٤. حسين، طه، فى الأدب الجاهلى، قاهره: دارالمعارف، ١٩٥٨م.
٢٥. جندى، على؛ محمد صالح سمك و محمد ابوالفضل ابراهيم، اطوار الثقافة و الفكر فى ظلال العروبة و الاسلام، قاهره: مطبعة الانجلو المصرية، ١٩٦٠م.
٢٦. جندى، علم الدين، اللهجات العربية فى التراث، تونس: دارالعربية للكتاب ليبيا، ١٩٧٨م.
٢٧. جوان آراسته، حسين، درسنامه علوم قرآنى، قم: بوستان كتاب، ١٣٨٠ش.
٢٨. جوهرى، ابونصر، الصحاح، به كوشش: عبدالغفور العطارى، بيروت: دارالعلم للملايين، ١٤٠٧ق.
٢٩. دانى، ابو عمرو عثمان بن سعيد، التيسير فى القرائات السبع، به كوشش: أوتو برتزل، بيروت: دارالكتاب العربية، ١٩٨٥م.
٣٠. راجحى، عبده، اللهجات العربية فى القرائات القرآنية، مصر: دارالمعرفة الجامعية، ١٩٩٨م.
٣١. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، به كوشش: ابوالفضل ابراهيم، قاهره: داراحياء الكتب العربية، ١٩٥٧م.
٣٢. زيدى، ابتهاج، علم الأصوات فى كتب معانى القرآن، عمان: دار أسامة، ٢٠٥٥م.
٣٣. سيبويه، عمر بن عثمان، الكتاب، به كوشش: عبدالسلام هارون، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٧٣م.
٣٤. سيد مرتضى، على بن الحسين، تنزيه الأنبياء، قم: دارالشريف الرضى، ١٣٧٧ش.



۳۵. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش: محمد سالم هاشم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.
۳۶. شاهین، عبدالصّبور، تاریخ قرآن، به کوشش: و ترجمه سیدحسین سیّدی، مشهد: به نشر، ۱۳۸۲ش.
۳۷. شاهین، عبدالصّبور، تاریخ القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۹۶۶م.
۳۸. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، به کوشش: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، قاهره: دارهجر للطباعة و النشر و التوزیع الاعلان، ۱۴۲۲ق.
۴۰. طریحی، فخر الدین محمد، مجمع البحرین، تهران: نشر مرتضوی، ۱۴۰۸ق.
۴۱. ظبیان، نشاة، علوم اللغة العربیة فی الآیات المعجزات، بیروت: دار ابن حزم، ۱۹۹۷م.
۴۲. عطوان، حسین، القرائات القرآنیة فی بلاد الشام، بیروت: دار الجیل، ۱۹۸۲م.
۴۳. عکبری، عبدالله بن حسین، إملاء ما مَن به الرحمن، به کوشش: ابراهیم عطوه عوض، قاهره: مكتبة البابي الحلبي، ۱۹۶۹م.
۴۴. غامدی، منصور بن محمد، الصوتیات العربیة، ریاض: مكتبة التوبة، ۱۴۲۱ق.
۴۵. غانم قدوری، احمد، الدراسات الصوتیة لدى العلماء التجوید، بغداد: مطبعة الخلود، ۱۹۸۶ق.
۴۶. فرحه، أنیس، نحو عربیة مُیسره، بیروت: دارالثقافة، بی تا.
۴۷. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف، بیروت: دارالعلم، ۱۹۸۰م.
۴۸. فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن، به کوشش: سیّد محمدباقر حجتی، قم: اسوه، ۱۳۶۵ش.
۴۹. قلانسی، ابوالعز محمد بن حسین بن بندگان، ارشاد المبتدی و تذکرة المنتهی فی القرائات العشر، به کوشش: عمر حمدان الکیسی، مکه: المكتبة الفیصلیة، ۱۴۰۴ق.
۵۰. قمحاوی، محمدصادق، البرهان فی تجوید القرآن، قاهره: مكتبة الجامعه الأزهریة، ۱۹۷۲م.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ق.
۵۲. مالمی، عبدالواحد بن محمد، الدر الثیر و العذب المنیر فی شرح کتاب التیسیر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.



٥٣. مبارك، محمد، فقه اللغة و خصائص العربية، بيروت: دارالفكر، ١٩٧٢م.
٥٤. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
٥٥. محيسن، محمد، المذهب في القرائات العشر، قاهره: مكتبة الكليات الأزهرية، ١٩٧٨م.
٥٦. معرفت، محمدهادي، التمهيد في علوم القرآن، قم: تمهيد، ١٣٩١ش.
٥٧. مؤدب، سيد رضا، نزول قرآن و رؤياي هفت حرف، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم: ١٣٨٧ش.
٥٨. هنداوي، عبد الحميد، الإعجاز الصوتي في القرآن الكريم، قاهره: دارالثقافية للنشر، ١٤٢٥ق.

References

1. Abu Shammah Maqdisi, Abd al-Rahman bin Ismail, Al-Murshid al-Awjiz ila Ulum Tata'laqu bi al-Kitab Aziz, Prepared by Tayyar Alti Gulaj, Beirut: Dar Sa'ad, 1395 AH.
2. Akbari, Abdullah bin Hossein, Dictation of Quran, by Ibrahim Atwah Awad, Cairo: Maktabh al-Babi al-Halabi, 1969.
3. Andalsi, Muhammad bin Yusuf, Tafsir al-Bahr al-Muhait, Beirut: Dar al-Fikr, 1992.
4. Anis, Ibrahim, Al-Aswat al-Arabiyyah (Arabic Phonetics), Egypt: Dar al-Nahdah al-Arabiyyah, 1961.
5. Ansari, Zakaria bin Muhammad, Tohfah Nujaba al-Asr, Prepared by Mohyi Hilal al-Sarhan, Baghdad: n.p., 1987.
6. Atwan, Hossein, Quranic Readings in the Land of al-Sham, Beirut: Dar al-Jayl, 1982.
7. Bani Domi, Khalid, Dalalat al-Zahirah al-Sawtiyyah fi al-Quran al-Karim, Irbid: Alam al-Kutub al-Hadith, 2006.
8. Bentajah, Muhammad, Principles of the Reciting Techniques of the Holy Quran, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1971.
9. Bishr, Kamal, Alam al-Aswat, Cairo: Dar Gharib, 2000.
10. Dani, Abu Amr Othman bin Sa'eed, al-Taysir fi al-Q'raat al-Sab', Edited by Otto Bretzel, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiyyah, 1985.
11. Farhah, Anis, Syntax of Arabic: Made Easy, Beirut: Dar al-Taqla, n.d.
12. Fazli, Abdul Hadi, An Introduction to the History of Reading the Quran, Edited by: Seyyed Muhammad Baqir Hujjati, Qom: Uswa, 1886.
13. Fazli, Abdul Hadi, Quranic Readings, History and Definition, Beirut: Dar al-Ilm, 1980.
14. Ghamidi, Mansour bin Muhammad, Arabic Phonetics, Riyadh: Maktabah al-Tawbah, 1421 AH.
15. Ghanam Qaduri, Ahmad, Al-U'lama al-Tajwid's Phonetics, Baghdad: Al-Khalud Press, 1986.
16. Hassan, Tammam Hassan, Research Methods in Linguistics, Cairo: Dar al-Thaqafah, 1974.
17. Hazim Suleiman, Nahi, The Role of Arabic Dialects on Syntactical Issue and Quranic Readings, Baghdad: Darul-Wathaq, 2010.



18. Hindawi, Abdul Hameed, Al-Ijaz al-Sawti fi al-Quran al-Karim, Cairo: Dar al-Thaqafiyyah for Publishing, 1425 AH.
19. Hisam al-Din, Karim Zaki, Phonetic Denotions, Egypt: Matbaah al-Anjalo al-Misriyyah, 1992.
20. Hossein, Taha, On the Ignorant (Jahili) Period Literature, Cairo: Dar al-Ma'arif, 1958.
21. Hujjati, Muhammad Baqir, A Research on the History of the Quran, Tehran: Islamic Culture Publications, 1981.
22. Ibn al-Qasih, Ali, Siraj al-Qari al-Mubtadi wa Tizkar al-Qari al-Muntahi, Cairo: Maktabah al-Babi al-Halabi, 1954.
23. Ibn Ashur, Muhammad al-Tahir, Al-Tahrir and al-Tanwir, Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Foundation, 2000.
24. Ibn Athir, Ali bin Muhammad, al-Mathal al-Sa'ir fi Adab al-Katib and al-Sha'ir, Prepared by Ahmad al-Hawfi and Badawi Tabanah, Egypt: Dar al-Nahdah, N.d.
25. Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad, Al-Nihyah fi Gharib al-Hadith and Athar, Prepared by Mahmoud Muhammad Tanahi and Tahir Ahmad Zawi, Qom: Ismailian Press Institute, 1988.
26. Ibn Jazari, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr, Prepared by Ali Muhammad al-Dhabba', Beirut: Dar al-Kutub, n.d.
27. Ibn Jazari, Munjid al-Muqireenn wa Murshid al-Tali been, Edited by Muhammad Habibullah al-Shanqiti and Ahmad Muhammad Shar, Cairo: Maktabah al-Quds al-Azhar, 1350 AH.
28. Ibn Jinni, Othman, Al-Khasais, Edited by Abd al-Hamid Hindawi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2001.
29. Ibn Jinni, Othman, al-Muhtasib, Prepared by Ali Najdi and Abd al-Fattah Shalabi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1420 AH.
30. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1400 A.H.
31. Ibn Mujahid, The Seven Readings (Qira'at), Prepared by Shoqi Zaif, Cairo: Dar al-Ma'arif, 1400 A.H.

32. Ibn Qutaybah Dinawari, Abdullah bin Muslim, Tawwil Mushlik al-Quran, Prepared by Ibrahim Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
33. Istitiyah, Samir Sharif, Quranic Readings between Arabic and Phonetics, Irbid: Alam al-Kutub al-Hadith, 2005.
34. Jandi, Alam al-Din, Al-Lahajat al-Arabiyyah fi al-Turath (The Arabic Dialects in Culture), Tunisia: Dar al-Arabiyyah li al-Kitab Libya, 1978.
35. Jandi, Ali; Muhammad Salih Samak and Muhammad Abolfazl Ibrahim, Atwar Al-Thaqafah wa al-Fikr fi Zilal al-Arabah and Islam (The Effects of Culture and Thought in Arabic and Islamic Domains), Cairo: Al-Angelo Press, 1960.
36. Javan Arastah, Hossein, Textbook of Quranic Sciences, Qom: Bustan Kitab, 2010.
37. Jawhari, Abu Nasr, A-Sihah, Edited by Abd al-Ghafoor al-Attari, Beirut: Dar al-Elm Lilmalayin, 1407 AH.
38. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, al-Kafi, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 2012.
39. Ma'rifat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (An Introduction of Quranic Sciences), Qom: Tamhid, 2012.
40. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar (The Oceans of Lights), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1403 AH.
41. Maliqi, Abd al-Wahid bin Muhammad, Al-Durr al-Natheer wa al-A'zb al-Munir fir Sharh Kitab al-Taysir, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1424 AH.
42. Moaddab, Seyyed Reza, The Revelation of the Quran and the Vision of Seven Letters, Qom: Office of Islamic Preaching of Qom Seminary: 2008.
43. Mubarak, Muhammad, The Philology and Arabic Characteristics, Beirut: Dar al-Fikr, 1972.
44. Muhaisin, Muhammad, Al-Muhazzab fi al-Q'raat al-Ashr, Cairo: Maktabah al-Azhariyyah al-Kulliyat, 1978.
45. Qalansi, Abul Izz Muhammad bin Hossein bin Bandar, Irshad al-Mubatdi wa Tazkirah al-Muntahi fi al-Q'raat al-Ashr, Edited by Omar Hamdan al-Kabisi, Mecca: Al-Maktabah al-Faisaliyyah, 1404 AH.
46. Qomhawi, Muhammad Sadiq, al-Burhan fi Tajwid al-Quran, Cairo: Maktabah al-Azhariyyah, 1972.

47. Rajihi, Abdoh, The Arabic Dialects in the Quranic Readings, Egypt: Dar al-Ma'rifah al-Jami'yyah, 1998.
48. Seyyed Murtaza, Ali bin al-Hossein, Tanzih al-Anbiya (Infallibility of Prophets), Qom: Dar al-Sharif al-Razi, 1998.
49. Shahin, Abdul Sabour, History of the Quran, Beirut: Dar al-Ilm, 1966.
50. Shahin, Abdul Sabour, History of the Quran, Preparation and the Translation: Seyyed Hossein Seyyidi, Mashhad: Beh Nashr, 2003.
51. Sibawayh, Omar bin Othman, Al-Kitab, Edited by Abdus Salam Haroun, Cairo: Al-Misriyyahh Public Library, 1973.
52. Sobhi Salih, Discussions on the Sciences of the Quran, Beirut: Dar El Ilm Lilmalayin, 1990.
53. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), Edited by: Muhammad Salim Hashim, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2003.
54. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Ta'awil al-Quran, Edited by Abdullah bin Abdul Mohsin Turki, Cairo: Darh Hajr for Printing and Distribution, 1422 AH.
55. Tureihi, Fakhruddin Muhammad, Majma' al-Baharain, Tehran: Murtazavi Publications, 1408 AH.
56. Zabyan, Nasha, The Sciences of the Arabic Language in the Verses of Miracles, Beirut: Dar Ibn Hazm. 1997.
57. Zaidi, Ibtahal, The Science of Phonetics in the Books of the Meanings of the Quran, Amman: Dar Osama, 2005.
58. Zarkashi, Muhammad bin Abdullah, al-Burhan fi Ulum al-Quran, Edited by: Abulfazl Ibrahim, Cairo: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah, 1957.